

صفات نیکِ پروفیسورِ عابدی

راجندر کمار*

در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، در آن ما با بسیاری مردم برخورد می‌کنیم و بعضی از آنها ما را متأثر می‌کنند و بعضی اوقات مسبب می‌شوند که مسیر زندگی تغییر کند. اگر چنین شخصی استاد باشد، پس تمام شخصیتِ استاد بر دانشجویانی غلبه می‌کند که از او متأثر شده‌اند. شادروان استاد امیر حسن عابدی دارای همین صفات بود.

اولین ملاقات من با استادالاساتید پروفیسور امیر حسن عابدی، آن وقت بود که من وارد بخش فارسی، دانشگاه دهلی به‌عنوان عضو هیئت علمی شدم. استاد از من پرسید که به‌چه موضوع علاقه‌مند هستم؟ پاسخ دادم، «ادبیات معاصر ایران خصوصاً رمان‌نویسی و قصه‌های کوتاه ایران». فوری تشویق کرد و گفت:

”در این مورد در هند خیلی کم‌ها کار کرده‌اند. خوب است که در این مورد کار می‌کنی و به‌ما هم معلومات بدهید که در ایران در این خصوص چه تحولی به‌وجود آمده است.“

از گفته‌هایش، خیلی متأثر شدم که چنین استاد فرهیخته‌ای که در سراسر هند و ایران شهرت دارد، مرا تشویق می‌کند و از من معلومات می‌خواهد، گویی که چیزی بلد نیست. این بود شخصیتِ استاد عابدی که هیچ موقع دانایی یا برتری خودش را به‌کسی نمایش نمی‌داد. همیشه خود را به‌عنوان دانشجو نشان می‌داد.

استاد عابدی ملقب به «بابای فارسی» برجسته‌ترین شخصیت علمی زبان و ادب فارسی در هند بود. استاد از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ م به‌مدت هفت سال ریاست انجمن

* استادیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

سراسر هند را نیز به‌عهده داشت و همین انجمن مذکور در سال ۱۹۹۶ م در همایش بین‌المللی احمدآباد واقع در گجرات، استاد عابدی را به‌لقب «بابای فارسی» مزین کرد. این امر، جالب توجه می‌باشد که استاد عابدی در آن همایش با بیاناتی نصیحت گونه با حاضران فرمود:

”عزیزان من! برای زبان و ادب فارسی پدر و مادر نتراشید، بروید تحقیق و مطالعه کنید. در این میان مسئولیت جوانان طالب‌علم و دانشجویان زبان فارسی سنگین‌تر از دیگران است. این میراث عظیم فرهنگی را دریابید و با مطالعه و تحقیق جدی در آثار فراوانی که در کتابخانه‌های هندی است، مانع از بین رفتن آنها شوید و به‌حفظ آثار گذشتگان پردازید که امانتی است نزد شما و بس!“^۱

استاد عابدی به‌عنوان استاد، مقام بلندی داشت. او هیچ موقع دانشجویان را از دانایی خود محروم نمی‌کرد. چه شب، چه روز. اگر کسی می‌خواست از او درباره موضوعی اطلاعات به‌دست بیاورد، او فوری حاضر می‌گشت و به‌وی کمک می‌کرد. طبق نظر استاد عابدی، اگر استادی به‌عنوان استاد با دانشجویان رفتار کند، پس در او تشنگی دانش تمام شده است. می‌گفت، هرچه استاد بلند مقام باشد، باید همیشه به‌عنوان دانشجو رفتار کند، آن وقت می‌تواند، دانش خودش را بیفزاید.

استاد عابدی عاشق نسخ خطی فارسی بود. او برای تحقیق در این زمینه نیاز به‌موضوع خاصی نداشت و هر نوشته را با دقت مطالعه می‌کرد و از آن گنجینه، درهای ناشناخته را باز می‌نمود. او کارشناس ادبیات فارسی هندی بود ولی متخصص در زمینه آثار سانسکریت بود که به‌زبان فارسی از زبان سانسکریت برگردانده شده بودند و بسیاری از آنها را به‌چاپ رسانده بود، از جمله: «یوگ و شست»، «پر بود چندر» را به‌نام «گزار حال»، «وکرَم اُروشی»، «پنچکیانه» که از «پنچتتر» می‌باشد و داستان «پدماوت» و «بحرالاسمار».

تمام آثار نامبرده در ادبیات سانسکریت اهمیت خاصی دارند. او با دکترا تاراجند، تراجم نامبرده را با متن اصلی سانسکریت تطبیق کرده، آنها را تصحیح و منتشر کرد.

۱. سیمای عابدی، ص خ.

استاد عابدی حافظه بسیار قوی داشت و به سن نود سالگی هم چیزی که مطالعه کرده بود را فراموش نمی کرد. استاد دارای برترین خصایص انسانی بود. او مردی عارف منش، بلندنظر، ساده پوش، خنده رو، خوش مشرب و پاکدل بود. هرکسی که استاد را می دید، لبخندی بر لبانش نقش می بست و بی اختیار شادی خود را از دیدار استاد نشان می داد. استاد هم معمولاً از دوستان و علاقه مندان خود با لبخندی پذیرایی می کرد. هرگز از زبان استاد عابدی حرفی در تعریف خود نشنیدیم. در محضر او، همیشه سخن از فرهنگ و ادب فارسی بود یا نکته های طنزآلود و شیرین از کتب مختلف شنیده می شد. استاد با دانشجویان چنین صحبت می کرد گویا که با فرزندان حرف می زند. او تمام زندگی قلندرانه زیست. گشاده رو از همه استقبال می کرد. به درگاه خدای متعال دعا می کنم که روح شادروان استاد امیرحسن عابدی را غرق در شادی و رحمت کند، آمین.

مآخذ

۱. عابدی، سید امیر حسن: سیمای عابدی، گردآورنده پروفیسور سید بلقیس فاطمه حسینی، بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۲۰۰۴ م.
2. Abidi, S.A.H.: *Indo-Persian Literature*, compiled by S.B.F. Husaini, Department of Persian, Delhi University, Delhi, 2003.